



حقوق جهانی بشر

معرفی کتاب

حقوق جهانی بشر (مقایسه و تطبیق دو نظام اسلام و غرب)

تالیف علامه محمدتقی جعفری

انتشارات مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری

ویرایش جدید، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش

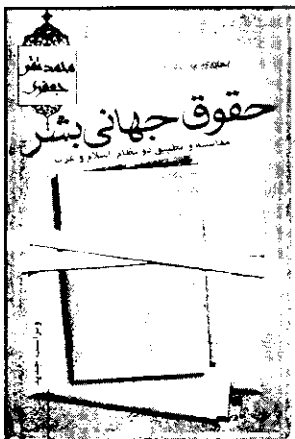
● شهرام تقی زاده انصاری

مقدمه

متفکرین بعد از رنسانس ضمن مطرح کردن قوانین حقوقی برای بشر، متأسفانه به جنبه‌های دینی آن نپرداختند. کشورهای مسلمان نیز در دوران استعمار، در این موضوع نیاندیشیدند تا این که بالاخره در اواسط قرن بیستم میلادی به فکر تنظیم و تدوین حقوق بشر اسلامی افتادند. این بدان معنا نیست که مکتب اسلام این حقوق بشر را نداشته تا بعداً فقهای اسلامی دست به کار تدوین و انتشار اعلامیه حقوق بشر از دیدگاه اسلام زده باشند.

همه منابع اولیه اسلامی از یک سو و عدالت در هم‌زیستی مسلمانان با دیگر اقوام و ملل که با آنها در ارتباط بودند، از سوی دیگر، با کمال وضوح اثبات می‌کند که مبانی اصلی مکتب اسلام، همه مواد حقوق بشر را داشته و با امتیازاتی که بر دیگر مواد حقوق‌های جهانی دارد، مستند به نصوص متقن است.

مرحوم علامه جعفری در دهه ۱۳۴۰ شمسی به مطالعه ریشه‌های حقوق بشر در غرب و حقوق بشر اسلامی پرداخت و چنان که برای اهل تحقیق و شاگردان ایشان روشن است، ضمن تدریس مبانی و ابعاد حقوق بشر در سخنرانی‌های خود، از «حقوق بشر اسلامی» صحبت می‌کردند تا این که با پنج سال پشتکار تمام بعد از انقلاب اسلامی توانستند کتاب حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب را به پایان رسانده و در سال ۱۳۶۹ ش. توسط انتشارات دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران به چاپ برسانند. این کتاب مشکلات چاپی و اغلاط املائی و افتادگی‌هایی داشت و می‌بایست تصحیح و ویرایش شود. لذا «مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری» به این کار همت گماشت و آن را سال ۱۳۸۵ ش. تجدید چاپ کرد.



فهرست مطالب و محتوای کتاب

موضوعات حقوق بشر در هر دو نظام اسلامی و غربی در پنج محور حیات شایسته، کرامت ذاتی انسان، آزادی مسئولانه، مساوات، و تعلیم و تربیت به صورت عمیق و وسیع مورد بحث قرار گرفته است. کتاب دارای ده فصل است که عبارت‌اند از:

۱. ارزش انسانی اعلامیه حقوق بشر و کاربرد آن و انگیزه اصلی تدوین و تصویب آن.

۲. تفسیر در حوزه ارزش‌ها، نخستین حق انسان، انگیزه وضع حقوق جهانی بشر اسلامی، اقسام شخصیت در اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی، ضرورت توجه به عامل ماوراء طبیعی برای رشد و تکامل واقعی انسان.

۳. بررسی حقوق بشر در عصر ظهور اسلام.

۴. بقا در قرن بیست و یکم.

۵. عوامل و انگیزه‌های اعلامیه جهانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و مشترکات آن با انگیزه‌های اعلامیه جهانی حقوق بشر در غرب.

۶. اشخاص مکلف به اجرای حقوق جهانی بشر.

۷. مشروط بودن بعضی از حقوق و آزادی‌ها به توافق با احکام شرع.

۸. نتیجه کنفرانس اسلامی حقوق بشر در اسلام (قاهره) در سال ۱۳۶۷ش.

۹. مواد حقوق بشر از دیدگاه اسلام و غرب، تطبیق و مقایسه آنها.

۱۰. حیات شایسته و مبانی حقوق بنیادین بشر.

بعضی از این عناوین خود به چند بخش تقسیم شده است که در این جا از ذکر آنها صرف نظر می‌شود.

حقوق بشر اسلامی از دیدگاه علامه جعفری

تحقیقات و مطالعات ایشان در نظام‌های حقوق بشر غربی و اسلامی، محتوای کتابی را که مورد نظر ماست، در بر می‌گیرد. علامه جعفری ضمن بررسی و معرفی پیشینه حقوق‌های مختلف بشر در تاریخ، کوشش کرده است حقوق اصلی و کلی دو نظام حقوق بشر اسلامی و غربی و انگیزه‌های آن را بررسی کرده و

سپس اندیشه‌ها و انتقادهای خود را درباره حقوق جهانی بشر در غرب اظهار دارد، ایشان امتیازات دینی حقوق بشر اسلامی بر حقوق بشر غربی را توضیح داده و امتیازات حقوق بشر اسلامی را بر حقوق بشر غربی به این ترتیب به اثبات می‌رساند.

الف. بررسی حقوق جهانی بشر در عصر ظهور اسلام: سابقه و ریشه حقوق جهانی بشر در اسلام برمی‌گردد به عصر ظهور اسلام، یعنی قرن ششم میلادی که پیامبر اکرم(ص) از طرف خداوند متعال به «پیامبری» مبعوث شد و اصول و مبادی کامل‌ترین برنامه زندگی در عرصه اخلاق، اقتصاد، سیاست، هنر، مدیریت، فقه و حقوق را برای مردم دنیا عرضه کرد.

ب. انگیزه‌های وضع حقوق بشر در اسلام: به عقیده علامه جعفری چهره جهانی انسان که از حقوق بشر جهانی برخوردار است، در ادیان الهی به اوج خود می‌رسد. یعنی در اسلام با صراحت و قاطعیت تمام، چهره انسان واقعی مورد توصیه و دستور قرار می‌گیرد:

۱. در اسلام، ارزش حقیقی نیکویی به انسان‌ها بدون توقع مزد و پاداش در ذات خود نیکویی قرار دارد. (سوره انسان / آیه ۲۹).

۲. اسلام حیات و مرگ یک انسان را مساوی با حیات و مرگ همه انسان‌ها می‌داند. یعنی انسان‌ها را از منطقه کمیت‌ها بالا برده و در حوزه کیفیت‌ها مطرح می‌سازد. (سوره مائده / آیه ۳۲).

۳. در اسلام، محبوب‌ترین انسان‌ها نزد خداوند کسی است که به انسان‌های دیگر سود برساند.

۴. اسلام، انسان‌ها را اعضای یک خانواده تلقی می‌کند و عقیده دارد که رابطه آنها باید برادرانه باشد.

۵. با این که اسلام انسان‌ها را به چند گروه تقسیم می‌کند، ولی حقوق مشترکی را برای همه آنها قائل است؛ مانند: حق حیات، حق کرامت ذاتی، حق کار و فعالیت، حق آزادی و حق تعلیم و تربیت.

پ. امتیاز دینی بودن حقوق بشر اسلام بر حقوق بشر غرب: ۱. نظام حقوقی اسلام مبنای دینی دارد، یعنی متکی به اراده خداوند است که همه این حقوق و تکالیف را برای بندگانش اراده فرموده است. پس هر انسان آگاهی، نه تنها تکالیف خود را با کمال اخلاص انجام خواهد داد، بلکه عمل به تکالیف و ایفای حقوق را وسیله تکامل و نزدیک شدن به خداوند می‌داند.

حیات خود صدمه‌ای وارد کند، ولی در حقوق بشر غرب از آن خبری نیست. در حقوق بشر اسلامی، سقط جنین ممنوع است مگر در موارد معینی، ولی در حقوق بشر غرب جنین ممنوعیتی وجود ندارد.

۲. **حق کرامت انسانی.** هر دو نظام این اصل را قبول دارند ولی اسلام دو نوع کرامت ذاتی و کرامت ارزشی را مطرح می‌کند که اولی را همه انسان‌ها دارند ولی کرامت ارزشی مخصوص کسانی است که به خاطر استفاده از استعدادها در مسیر رشد و کمال به آن می‌رسند.

اشتراکات: پرهیز از تحقیر نکردن انسان‌ها؛ گرایش‌های سیاسی یا اجتماعی باعث سلب کرامت ذاتی انسان نمی‌شود. آزار و شکنجه و اهانت ممنوع است؛ هر انسانی حق زندگی معمولی و آبرومند را دارد؛ شرافت و اسم و رسم هیچ کسی نباید مورد اهانت قرار گیرد.

اختلافات: در نظام اسلامی کرامت ذاتی عنایت خداوند به بندگانش است، ولی در تفکر غربی صحبتی از آن نیست. در نظام اسلامی محیط سالم اخلاقی برای زندگی انسان باید آماده شود ولی در نظام غربی صحبتی از آن نیست.

۳. **حق آزادی.** در نظام حقوق بشر اسلامی، آزادی مسئولانه مطرح است، یعنی اگر انسان آزادی شخصیت انسانی خود را می‌خواهد، باید از خودکامگی و طغیانگری دست بردارد تا عرصه برای فعالیت‌های تکاملی شخصیت او آماده شود. در اسلام، آزادی انواع مختلف دارد: آزادی عقیده، آزادی اندیشه، آزادی بیان و تبلیغ، آزادی رفتار و آزادی از هرگونه بردگی.

ماده ۱۹ حقوق بشر در غرب به آزادی بیان و عقیده و قلم اشاره و این آزادی‌ها را به طور مطلق مطرح کرده است. با این که در بعضی از مواد حقوق بشر به صراحت بر رعایت شخصیت و احترام به ذات انسان‌ها تأکید شده، اما مشخص نشده که اگر کسی با تکیه بر این ماده به جمعی اهانت کند، آن جمع اهانت شده به کدام یک از مقامات بین‌المللی می‌تواند مراجعه کند؟

۴. **حق تعلیم و تربیت.** اساسی‌ترین عامل اصلاح حقوقی، تعلیم و تربیت صحیح است. هم‌چنین برای شناخت حقیقت حیات و حق اساسی آن و شناخت حقیقت و حقوق اساسی کرامت ذاتی

۲. عامل و ضامن اجرای حقوقی که بر مبنای دین استوار است، شخصیت کمال‌طلب خود انسان و عوامل اجرایی است.

۳. چون منبع اصلی حقوق و تکالیف بشری، دین فطری حضرت ابراهیم(ع) است که همه ادیان آسمانی خود را وابسته به آن می‌دانند، پس شمولیت آن وسیع‌تر از فرهنگ‌های محدود بشری خواهد بود.

۴. عوامل و ملاک‌های اسلام برای اثبات کرامت و حیثیت و برابری و برابری و مساوات انسان‌ها با یکدیگر قوی‌تر و منطقی‌تر از استدلال‌ها و ملاک‌های دیدگاه غرب است.

۵. دیدگاه اسلام در باره اصول پنج‌گانه حیات، کرامت انسانی، آزادی، مساوات و تعلیم و تربیت عالی‌تر و پرمعناتر از دیدگاه غرب است.

تطبیق و مقایسه حقوق بشر از نظر اسلام و غرب

مؤلف محترم، ابتدا حقوق اساسی و کلی مانند (حق حیات) را مورد بررسی و تحقق قرار داده و بعد مواد مربوط به حقوق اساسی و کلی را مطرح کرده است. سپس ماده مشابه آن را از دیدگاه غرب، تحت عنوان همان حق اساسی و کلی آورده و مشترکات و تفاوت‌های آنها را مورد بررسی قرار می‌دهد.

حقوق اصلی و کلی در دو نظام حقوق بشر اسلامی و غربی از دیدگاه علامه جعفری

۱. **حق حیات.** منظور ما از «حیات»، حیات شایسته است، نه زندگی مطلق و مطلق زندگی، اگرچه توأم با اهانت و ناراحتی باشد. این مسئله نزد مذهب، علم و فلسفه و دیدگاه‌های پاک انسان‌ها کاملاً روشن است و در قرآن مجید آمده است. (نساء/آیه ۲۹)

هر دو نظام حقوق بشر اسلامی و غربی، حق آزادی، ممنوعیت رفتار خلاف شئون انسانی و ممنوعیت شکنجه و رفتار ظالمانه را در نظر دارند. ولی تفاوت‌هایی نیز وجود دارد؛ مثل این که اسلام، حیات را عطیه خداوندی می‌داند ولی در حقوق بشر غرب صحبتی از آن نیست. در حقوق بشر غرب، اشاره‌ای به این مسئله نشده است که نباید از هیچ وسیله‌ای برای از بین بردن حیات بشر استمداد جست ولی در حقوق بشر اسلامی بر این تأکید شده است.

در حقوق بشر اسلامی آمده است که هیچ‌کس حق ندارد به

دیگران را وسیله تلقی می‌کند و ارزش و کرامت ذاتی انسان برای او، خواب و خیالی بیش نیست. ولی برای انسان الاهی که هدف سیر به سوی خداوند است، ارزش و کرامت انسانی واقعیت پیدا می‌کند و قابل اثبات است.

۲. **حیثیت ذاتی انسان‌ها.** مسلم است که برای رسیدن به «آزادی»، «صلح» و «عدالت» اعتراف به حیثیت ذاتی و کرامت انسانی و پذیرش واقعی آن ضروری است. ولی باید این مسئله روشن شود که آیا می‌توان با شعار اتو پیایی «انسان دارای حیثیت ذاتی است» که از نظر علمی، شعر و خیال به خوبی است این حقیقت را اثبات کرد و آن را برای همه انسان‌ها قابل قبول ساخت؟ اگر این موضوع اثبات نشود، فرمول تباه کننده «من هدف و دیگران وسیله» از میان نخواهد رفت.

۳. **اعضای خانواده بشری.** پیوستگی کامل انسان‌ها با یکدیگر از عالی‌ترین آرمان‌هاست. ولی متأسفانه تاکنون بجز رهبران الاهی، کسی نتوانسته است انسان‌ها را با وحدتی که در ذاتشان قرار دارد، آشنا سازد. اکثر انسان‌ها خود را پیوسته به یکدیگر احساس نکرده‌اند. باید انسان‌ها دارای هدف مشترک و عالی باشند تا از منفعت‌طلبی دست بردارند و به منفعت دیگران فکر کنند.

۴. **برادری و برابری.** این دو کلمه از عالی‌ترین کلماتی است که انسان‌های دارای احساسات پاک را همواره پر از نشاط و انبساط می‌کند. چنین ارتباطی میان افراد انسانی از عالی‌ترین آرمان‌های بشری است و به همین دلیل پیامبران و حکما همیشه خواسته‌اند این موضوع را به بشریت تفهیم کنند ولی قدرتمندان و خودمحروران خلاف این مسیر را رفته‌اند.

۵. **روح بشریت.** اگر این اصطلاح با عظمت و قداست واقعاً مورد احترام قدرتمندان قرار می‌گرفت، مسیر تاریخ عوض می‌شد و انسان‌ها مورد ظلم قرار نمی‌گرفتند.

۶. **حقوق یکسان.** بديهی است مراعات تساوی انسان‌ها در برابر حقوق و تکالیف مقرر، از عالی‌ترین آرزوهای انسان‌های پاک و رشد یافته بوده است، ولی متأسفانه تاریخ نشان داده است که این مفهوم هم مانند «حق و حقیقت» ابزار زینت نوشته‌ها و سخنرانی‌ها قرار گرفته است.

۷. **صلح.** همه دلایل اخلاقی و دینی و عقلی که اهمیت و

و کرامت ارزشی اکتسابی انسان و اصل آزادی مسئولانه، احتیاج شدید به پژوهش‌های متنوع و گسترده است. از این‌رو مسئله تعلیم و تربیت یک اصل ضروری است.

اشتراکات: حق حضانت و تربیت و رعایت بهداشت مادی و معنوی کودکان؛ حق مراقبت از مادران و جنین آنها؛ طرح تعلیم و تربیت کودکان.

اختلافات: در نظام غربی، تعلیم در سطح ابتدایی واجب شده، ولی در نظام اسلامی، چون انسان باید به حیات شایسته و باکرامت برسد، تعلیم و تربیت در تمام عمر ضروری است. در نظام اسلامی در صورت فقدان پدر و مادر، تربیت بچه به ولی قانونی آنها واگذار می‌شود (مثل پدربزرگ)، در حالی که در نظام غرب چنین نیست. در نظام اسلامی به مسائل معنوی و روحی انسان بیشتر توجه می‌شود. تا غرب و همچنین انسان به خیرات و کمالات دعوت می‌شود. از دیدگاه اسلام وسایل ارتباط جمعی و تبلیغات جمعی باید در خدمت رشد و تکامل انسان‌ها باشد و نه در خدمت لذت‌گرایی و منفعت‌جویی.

۵. **تساوی‌ها.** منظور از تساوی، مساوات در همه ابعاد انسان‌ها نیست، بلکه با نظر به ابعاد گوناگون، انسان‌ها در ارتباط با یکدیگر از سه نوع کلی تساوی برخوردارند: تساوی در ارتباط با مبدأ و اصول عالی هستی، تساوی در ماهیت و مختصات که انسان‌ها دارند، و تساوی قراردادی در برابر حقوق طبیعی و وضعی و قوانین لازم برای تنظیم زندگی طبیعی و حیات معقول.

دیدگاه و انتقادات علامه جعفری به مباحث ارزشی مطرح

شده در حقوق بشر غرب

۱. **انسان.** انسان محور اعلامیه جهانی حقوق بشر است. اما باید دید که کدام انسان منظور است؟ آیا انسان آن جاننداری است که بر مبنای قوانین طبیعت به وجود آمده و پس از مدتی زندگی بدون هدف در روی زمین و تخریب طبیعت و گلاویز شدن با هم‌نوعان خود و عشق به لذت و منفعت بدون حد و مرز به زیر خاک می‌رود و دیگر هیچ؟ یا آن انسانی مورد نظر است که بامعناست و مطابق نظر ادیان الاهی به وجود آمده و رو به هدفی بامعنا سیر می‌کند؟ انسان اول خودخواه بوده و خود را هدف و

بالاترین آرمان و آمل و هدف اعلاى بشر از زندگى در اين دنيا، اين است كه فقط زندگى كنيم. بايد در نظر داشت كه امور فوق وسيله زندگى است و نه هدف زندگى.

۱۲. **احترام جهاني**، در اعلاميه جهاني حقوق بشر به تأمين احترام جهاني اشاره شده است، ولي ضرورى است كه فلسفه آن را براى همه توضيح دهند. فقط با مجرد ادعا نمى توان از مردم خواست به حقوق جهاني بشر احترام بگذارند، زيرا احترام بار ارزشى دارد و اگر سازمان ملل متحد نتوانسته باشد ارزش ها را از چنگال مديان علم و علم پرستان حرفه اى نجات دهد، نمى تواند با خواهش و تمنا اين احترام را از مردم بخواهد.

۱۳. **حسن تفاهم**، در اين اعلاميه آمده است كه براى اجراى كامل مواد حقوق بشر، حسن تفاهم مشترك در عالي ترين درجه ضرورت دارد. به نظر ما مسئله اين است كه جوامعى در طول تاريخ هميشه براى بقاى خويشتن تكاپو داشته اند و لو به قيمت نابودى ضعفا، چگونه با آن يكه تازان ميدان تنازع بقاء، حسن تفاهم خواهند داشت؟ خلاصه، براى ارائه حسن تفاهم مشترك، به هر نحو ممكن، بايد اقدام صميمانه به عمل آورد و از تبليغات بى محتوا پرهيز كرد.

۱۴. **وجدان و عقل**، در مورد عقل و خرد بحث مهمى وجود ندارد، اما در مورد «وجدان» بحث هاى وجود دارد؛ از جمله اين كه وجدان چيست؟ آيا آگاهى يا خودآگاهى است يا وجدان اخلاقى است؟

۱۵. **عقيده**، عقيده چيست؟ مگر مى توان در برابر تصديق هاى علمى محض كه بايد به مقدمات علمى محض متكى بوده يا شده، چيز ديگرى را هم به عنوان «عقيده» پذيرفت؟ شهود چيست؟ وقتى اين مسائل هنوز حل نشده اند، دليلى براى اثبات صحت خود «اعتقاد» وجود نخواهد داشت.

۱۶. **روابط دوستانه**، اين رابطه نيز آرزوى قلبى ياكان بوده است. كسى كه مزه حيات بخش اين ارتباط را درك نمايد، آن را آرمان انسانى تلقى خواهد كرد. متأسفانه تاكنون به جهت عشق و علاقه مفراط به خودمحورى كه خودكامگى و از خودبيگانگى از خود حقيقى انسانى، نمودهاى آن است، روابط ميان انسان ها، روابط گرگ و ميش بوده و ميان قدرتمندان رابطه گرگ ها با يكديگر برقرار شده است، يعنى شعار توماس هابز «انسان گرگ، انسان است».

ارزشى حيات آدميان را بيان مى دارند و بر حراست و تكريم آن تأكيد مى كنند، بر مبنای قانون استلزام، صلح و صفا را نيز مورد اهميت قرار داده و ضرورت حفظ و تكريم آن را تذكر مى دهند. هنوز يك تعريف جامع و صحيح درباره «صلح» ارائه نشده است و با اين همه جنگ و جدال ها نمى توان از صلح صحبت كرد. اسلام دستور صريح براى استمرار صلح و صفا داده است، زيرا بايد ارزش حيات آدميان حفظ شود. سازمان ملل متحد بايد با كمك اديان الاهى اقدامى جدى براى ارائه يك تعريف از انسان به عمل آورده و بعد از صلح صحبت كند.

۸. **عدالت**، تعريف مشتركى كه از «عدالت» وجود دارد اين است: روش آگاهانه و آزادانه مطابق قانونى كه پذيرفته شده است. مسئله مهم اين است كه قانونى كه روش آزادانه و آگاهانه مطابق آن عدالت ناميده مى شود و موضوعى كه اگر شسىء در آن قرار بگيرد، عدالت تحقق پيدا مى كند، با چه ملاكى تعيين مى شود؟ هر فرد و اجتماعى براى خود اصولى را به عنوان قانون مى پذيرد كه مطابق با موقعيت و فرهنگ خاص خود است. اعلاميه حقوق بشر بايد توضيح دهد كه از مردم جوامع، كدامين حقيقت را به عنوان «عدالت» مطالبه مى كند؟ از اين جهت است كه موضوع اخلاق عاليه بشرى كه مستند به فطرت ياك و پذيرش و عمل به اصول تكاملى است، ضرورت خود را اثبات مى كند.

۹. **حيات**، امروزه اكثرأ «حيات انسان» را مادى مى دانند و اين مسئله ضربه بزرگى به جان آدميان زده است. ولي حيات انسان از نظر اديان الاهى معنوى بوده و بايد هميشه رو به رشد و تكامل باشد.

۱۰. **آزادى**، در اين مورد قبلاً صحبت شد.

۱۱. **بالاترين آمل بشرى**، در اعلاميه حقوق بشر، آزادى عقيده و رفع ترس و فقر بالاترين آمل بشرى تلقى شده اند. در اين اعلاميه، هدف از لزوم شناسايى و احترام به حقوق بشر، جلوگيرى از بروز اعمال وحشيانه اى است كه روح بشريت را به عريان وا مى دارد. هدف ديگرش آزادى عقيده و بيان و از ميان بردن «ترس» و «فقر» است. اين ضرورت ها نشان مى دهند كه حقوق بشر غربى، عاملى اجبارى و بازدارنده است كه بشريت را به يك زندگى طبيعى بدون اضطراب نائل مى سازد، اما اگر نائل شدن به امور فوق بالاترين آمل بشر باشد، نتيجه اين مى شود كه